

قومیت یا دشمنه مسموم برای نابودی مردم

در جایی از این دنیای بزرگ اینترنت به موضوع رأی دهی برای اقوام در افغانستان برخوردیم. تعجب کردم! مگر افغانستان مشکل اندکی داشت که قضیه اقوام! و قبائل؟ را سر کشیدند!

در تمام دنیا، کشورها متشکل از اقوام و ریشه های نژادی گوناگونی است (البته تا حدی ایسلند خیلی اندک)، شاید در زشت ترین تشکلات دولتی، قضیه اقوام رشد داده شود، که طبیعتاً افغانستان بشمول تمام انانیکه پشتیبانی از این مفکوره منفور را میکنند در رده این زشتی-مقام بلند را از خود ساخته اند، مفکوره یکه مادر مصائب در یک کشور آنهم عقب افتیده میتواند باشد.

برای ما دیگران؛ چه همسایه های نابکار که تازه به توسعه طلبی شروع کرده اند یا استعمارگران حرفوی که استعمار و چپاول کشور های کم توان جزء سیاست اصیل شان میباشد افروختن فتنه قومی و ... برای مقاصد خیلی زشت شان، به راه انداخته میشود.

وقتی قانون اساسی ما را میگویند که از قوانین اروپایی و امریکایی و عربی اقتباس کرده اند (که کار بدی هم نیست) چرا این نکته را از این قوانین برداشتند که باشندگان در این کشورها همه باهم یکی اند، و نمی باید با ذکر چنین مفکوره بی مردم را بجان هم انداخت، مگر این زشت نیست که دنیا در حال تجمع بدور هم اند ولی ما در حالت تفکک و تجزئه؟

خوب! اگر قبول نماییم که این پدیده شوم را اکنون جزء لاینفک قانون اساسی خود ساخته ایم، پس چرا انرا در چند قوم محدودی منحصر ساخته ایم؟ مگر همه باشندگان افغانستان در همین چند قوم و قبیله خلاصه میشوند؟ هرگز نه! در افغانستان تا هر اندازه که بخواهیم این قبر را نبش کنیم استخوان های پوسیده قومی و قبیلوی را میتوان یافت! وقتی ما از چنین منطق تفرقه افکن پیروی میکنیم چگونه در افغانستانی که در اواسط قرن ۲۰ بیش از ۳۰ زبانی که مردم کم یا زیادی با آن تکلم میکردند رایج بود، میتوان دیگران را بجز هفت - هشت قوم یاد شده بدور انداخت؟ مگر خود این تعدی و تجاوز بر آن اقوام خارج از این هفت و یا هشت قوم نیست؟ اختلاف در زبان و حتی لهجه برای تمایز از همدیگر میتواند به سادگی مورد استفاده قرار گیرد و توسط حلقات و جهات بدخواه ما از این مجرا استفاده صورت گیرد.

چه کسی میتواند تضمین کند که در آینده فردی با پول های باد آورده و یا داده شده از سوی اجانب خفته در کمین این خطه، سر بلند نکرده و اقامه دعوا برای برسمیت شناختن قومیت جدیدی را نکنند؟ مگر شگفتن قومیت جدیدی بنام {بیات} که در لست رأی دهی در فیسبوک و شاید جاهای دیگر گذاشته شده است نمیتواند شاهد این مدعا شود؟ مگر نه این است که اضافه شدن قوم بیات، بخاطر گل روی آقای انجنیر احسان الله بیات (تاجر و سرمایه داری که اقلاً من بیخبر و غافل در این عمر بیش از نیم قرن خود برای بار اول و بعد از این که افغانستان بنام قانون! نه دربی داشت و نه دیواری)، درج این لیست شده است؟ همانگونه که برای خود محترم انجنیر احسان الله بیات در مجلس سنا چوکی گذاشتند!

ما که برای هر درس خوانده و حامل یک یا چند شهادتنامه روشنفکر میگوییم (و خیلی نابجا، بلکه برای این گونه مردم تنها صفت تحصیلکرده را باید داد، چون بسا انسانهای بی سوادى اند که روشنفکر اند در مقابل بسا تحصیلکرده های سیاه فکر!)، مگر همین روشنفکران سیاه دست نیستند که ملت ما را و چه بسا که بخاطر اغیار در برابر همدیگر قرار دادند؟ و هم همینها بودند که این سم قاتل را در میان قانون اساسی و سرود ملی جادادند. در این پروسه تفرقه افکن که دهقان و مالدار و دهاتی و... بیسواد ما سهم نداشتند، این تفرقه ها را بعضی از همین تحصیلکرده های ... در میان مردم انداختند و رشد دادند و با حک کردن ان در قانون اساسی این قضیه را رنگ تقدس کاذب هم دادند، و باز هم در آینده از میان همین قماش مردم کسانی برخواهند خاست که مردم ما را در دائره شوم دیگری سرگردان سازند.

اگر به همسایه های خود نظری اندازیم میبینیم که هرکدام آنها بیشتر از ما همچو لحاف قورمه بی، متشکل از انواع مختلف قومی و نژادی میباشند ، و خوب میدانیم که در این تفرقه افگنی ها دست این همسایه های دو رنگ و دو رو تا شانه دخیل است. اینها که برای اقوام در کشور ما تب و تلاش دارند چرا در کشور های خودشان از این اصل پیروی نمیکنند؟ برای آنها این مسائل کاریست ضد وحدت ملی! اما برای ما علنی یا زیر پرده پرچم قومیت و طائفه را ما بلند نگه میدارند. آنها اگر این کار را بخاطر مصالح خودشان میکنند، پس ما چرا خود را فدای مصالح آنان میکنیم؟ چرا هر وقت و ناوقت ما این میخ زهر الود را بر جسم کشور خود میکوبیم؟

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ